مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه معاونت آموزش و امور حوزه‌ها اداره ارزشیابی و امتحانات	بسمه تعالی **امتحانات پایان سال ـ خرداد۱۳۹۴** **پاسخنامه مدارس شهرستان**	**گروه: ب**			
		پایه:	۹	موضوع:	رجال
		تاریخ:	۹۴/۰۳/۲۶	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از مشایخ الثقات تا آخر کتاب- ۲۰۳ تا آخر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. کدام گزینه در جواب از نقض‌های وارد شده بر توثیق مشایخ الثقات صحیح نیست؟ ب ۲٦٤

أ. بیشتر افراد مذکور از معاصران مشایخ الثقاتند ☐

ب. نقل مشایخ ثلاثه از این افراد، ثابت نیست ■

ج. وجه ضعف بیشتر افراد مورد نقض، از جهت مذهب است ☐

د. برخی افراد مذکور ضعیف نیستند یا قولی بر وثاقت آنان وجود دارد ☐

۲. استجازة الثقة عمن أجاز کتاب غیره و کان انتساب الکتاب إلی مصنّفه مشهوراً ..... الاستجازة عمن أجاز روایة کتاب لم تثبت نسبته إلی مؤلّفه إلّا بواسطة الشیخ المجیز. د ۳۳۷-۳٤۱

أ. مثبت لوثاقة المجیز نظیر ☐ ب. غیر مثبت لوثاقة المجیز نظیر ☐

ج. مثبت لوثاقة المجیز بخلاف ☐ د. غیر مثبت لوثاقة المجیز بخلاف ■

۳. علی قول المصنّف، وجود «عدّة من أصحابنا» فی کثیر من طرق الکافی لا یوجب الإرسال ..... . د ٤٤۸

أ. لوجود من یوثق به فی العِدّة کمحمّد بن یحیی العطار ☐ ب. لإستفاضة الخبر بذلک ☐

ج. لحصول الاطمئنان غالباً ☐ د. لأنّ الأسناد المشتملة علیها إسناد إلی الکتب المشهورة ■

٤. کدام کتاب، از کتب رجالی اهل سنت نیست؟ ج ٤۹۰

أ. الجرح و التعدیل ☐ ب. الکمال فی أسماء الرجال ☐ ج. طبقات ابن سعد ■ د. میزان الاعتدال فی نقد الرجال ☐

تشریحی

۱. اصل و مدرک قاعدهٔ «مشایخ الثقات» چیست؟ توضیح دهید. ۲۰٦

الأصل فی ذلک ما ذکره الشیخ فی العدة حیث قال: و إذا کان أحد الراویین مسندا و الآخر مرسلا، نُظِرَ فی حال المرسل، فإن کان ممن یعلم أنه لا یرسل إلّا عن ثقة موثوق به، فلا ترجیح لخبر غیره علی خبره، و لأجل ذلک سوت الطائفة بین ما یرویه محمد بن أبی عمیر، و صفوان بن یحیی، و أحمد بن محمد بن أبی نصر و غیرهم من الثقات الذین عرفوا بأنهم لا یروون و لا یرسلون إلا عمن یوثق به، و بین ما أسنده غیرهم، و لذلک عملوا بمراسیلهم إذا انفردوا عن روایة غیرهم.

* إنّ إثبات "أنّ هؤلاء لا یروون و لا یرسلون إلّا عن ثقة" دونه خرط القتاد، فإنّ الطریق إلیه إمّا تصریح نفس الراوی بأنّه لا یروی و لا یرسل إلّا عنه أو التتبع فی مسانیدهم و مشایخهم و عدم العثور علی روایة هؤلاء عن ضعیف. أمّا الأوّل فلم ینسب إلی أحد من هؤلاء إخباره و تصریحه و أمّا الثانی فغایته عدم الوجدان وهو لا یدلّ علی عدم الوجود علی أنّه لو تمّ فإنّما یتمّ فی المسانید دون المراسیل. ۲۳۲

۲. دومین راه اثبات «أنّ هؤلاء لا یروون ...» را با دو اشکال آن بنویسید.

راه اثبات: تتبع در مسانید مشایخ و نبودن شیخ ضعیف در بین آنها.

اشکال: ۱. نهایتاً ما به ضعیفی برنمی‌خوریم نه این که ضعیفی وجود ندارد ۲. تتبع ما ناقص است و در خصوص مسانید ممکن است نه مراسیل.

* قال الشيخ فی ترجمة علی بن الحسن الطاطریّ: «کان واقفیّاً شدید العناد فی مذهبه ... و له کتب فی الفقه رواها عن الرجال الموثوق بهم و بروایتهم ...».

۳. تقریب کلام شیخ بر وثاقت مشایخ علی بن حسن طاطری و اشکال آن را بیان کنید. ۲۸۰

اشکال: شهد الشیخ علی أنّه روی کتبه عن الرجال الموثوق بهم و بروایتهم.

غایة ما یستفاد من عبارة الشیخ أنّ الطاطری لا یروی فی کتبه إلّا عن ثقة و أمّا أنّه لا یروی مطلقاً إلّا عن ثقة فلا یدلّ علیه، علی أنّ من المحتمل أن یکون کلام الشیخ محمولاً علی الغالب فلاحظ کتابه و اطمأنّ بوثاقة کثیر من رواة کتابه فقال فی حقّه ما قال.

٤. چرا راویان «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» ثقه نیستند؟ (دو دلیل) ۳۲۰

۱. لأنّ (أوّلاً:) الراوی لهذا التفسیر (أبو الفضل العباس بن محمد بن القاسم بن حمزة بن موسی بن جعفرﷺ تلمیذ علی بن ابراهیم وهو) مجهول لم یذکر فی الجوامع الرجالیة. ۲. (وثانیاً:) التفسیر الموجود لیس للقمیّ وحده؛ بل ملفّق (ممّا أملأه علی بن ابراهیم علی تلمیذه وما رواه التلمیذ عن أبی الجارود عن الامام الباقرﷺ. ۳. (و مضافاً:) یشتمل علی رواة لا یصحّ القول بوثاقتهم، (کیحیی بن أکثم)، وکذا روایات لا یلتزم القمی بصحّتها (کما ورد: حدّثنی أبی، رفع قال: قال الصادقﷺ).

۵. از ادلّهٔ کسانی که به «اعتبار همهٔ روایات کتاب کافی» معتقد هستند، دو مورد را با اشکال هر یک بیان کنید. ۳٦٦

۱. تصریح مرحوم کلینی به صحت روایاتی که در کتابش آورده است. جواب: حکم به صحّت در جواز عمل به آن روایات بدون تفحص کافی نیست. ۲. مدح‌هایی که در مورد کتاب وارد شده است فقیه را از بررسی تک تک روایات بی نیاز می‌کند. جواب: مدح‌های مذکور دلالت بر مرجعیت این کتاب دارند ولی دلالت بر صحت تک تک روایات آن ندارند. ۳. مدح هایی که در مورد مؤلف وارد شده است مستغنی از رجوع به آحاد روایات است. جواب: این مدح‌ها دلالت بر تقدّس مرحوم کلینی می‌کنند و دلالت دارند ایشان مأمون از کذبند و تقریباً مصونیت از اشتباه دارد منتهی این دلالت بر صحت همهٔ روایات به خاطر موثق بودن آن روایات یا محفوف به قرائن بودنشان نمی‌کند. ٤. مرحوم کلینی در عصر غیبت بوده است و کتاب ایشان به تأیید معصوم رسیده است. جواب: أولاً: کلینی در ری بوده و در اواخر عمر بعد از انتشار کتاب به بغداد منتقل شده است. ثانیاً: بین مرحوم کلینی و نواب معاشرتی نبوده تا بواسطهٔ آنها کتاب به حضرت حجت عرضه شود. ثالثاً: اگر کتاب به حضرت حجت عرضه شده بود در مقدمه ذکر می‌شد.

* قال الشیخ فی المشیخة: «ما ذکرنا فی هذا الکتاب عن محمّد بن یعقوب الکلینی فقد أخبرنا الشیخ أبو عبد الله محمّد بن نعمان عن أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه عن محمد بن یعقوب؛ و أخبرنا به أیضاً الحسین بن عبید الله عن أبی غالب أحمد بن محمد الزراری و أبی محمد هارون بن موسی التلعکبری و أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه و أبی عبد الله أحمد بن ابی رافع الصیمری و أبی المفضّل الشیبانی و غیرهم، کلّهم عن محمّد بن یعقوب الکلینی». ۳۹۲

٦. با توجه به عبارت، مرحوم شیخ، چند طریق به کافی نقل کرده است؟ بیان کنید.

دو طریق؛ طریق اول: محمّد بن نعمان (مفید) از جعفربن محمدبن قولویه از محمد بن یعقوب (کلینی). طریق دوم: حسین بن عبیدالله از أبی غالب و أبو محمد و أبوالقاسم و أبو عبدالله و أبی المفضّل و ... که اینها هم همگی از محمد بن یعقوب کلینی نقل کرده‌اند.

* قال فی مقدّمة کتاب «کامل الزیارات»: و لم أُخرج فیه حدیثاً رُوِیَ عن غیرهم إذا کان فیما روینا عنهم من حدیثهمﷺ کفایة عن حدیث غیرهم ... ولکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا ۳۰۰

۷. أ. مؤلف کتاب «کامل الزیارات» کیست؟ ب. به نظر مصنف، مفاد عبارت فوق چیست؟

أ. ابن قولویه ب. نصّ علی توثیق کلّ من صدّر بهم سند أحادیث کتابه لا کلّ من ورد فی أسناد الروایات.

* ذهب بعض الأجلّة إلى القول باعتبار مراسيل الفقيه و من هؤلاء الأجلّة المحقّق الداماد فی الرواشح فإنّه بعد أن قال: «إذا كان الإرسال بالإسقاط رأساً جزماً كما قال المرسل: *قال النبیّ*ﷺ *أو قال الإمام*، فهو يتمّ فيه» قال: و ذلک مثل قول الصدوق فی الفقيه: «قال الصادق‌ؑ ...» إذ مفاده الجزم أو الظنّ بصدور الحديث عن المعصوم فيجب أن تكون الوسائط عدولاً فی ظنّه و إلّا كان الحكم الجازم بالإسناد هادماً لجلالته و عدالته. ٤-٣٨٣

٨. مدعای محقق و اشکال مصنف بر ایشان را توضیح دهید.

مدعا: خبری که «من لا یحضر» به صورت جزمی به معصوم نسبت داده است حجت است ولو سند نداشته باشد.

اشکال: غاية ما يقتضيه الإسناد جازماً هو جزم الصدوق أو اطمئنانه على صدور الرواية من الإمامؑ و هذا لا يقتضی أن يكون منشأ جزمه هو عدالة الراوی أو وثاقته فيمكن أن يكون منشؤه هو القرائن الحافّة على الخبر التی يفيد القطع أو الإطمينان بصدور الخبر و لو كان اطمئنانه حجّة للغير يصحّ للغير الركون إليه و إلّا فلا.

* إن قلت: قد تواترت الروايات بأنّه لولا الحجّة لساخت الأرض بأهلها. قلت: لا إشكال فی صحّة هذه الروايات و لكنّها لا تهدف إلى كون النبیّ و الإمام من الأسباب و المدبّرات التی نزل به الذكر الحكيم و نطق به الحديث الصحيح و إنّما تهدف إمّا لكونه غاية لخلق العالم و إمّا لهدايته للناس إلى سبيل الله و معرفة الحلال و الحرام. ٢-٤٢١

٩. به نظر مصنف، محمل صحیح روایات مذکور چیست؟ توضیح دهید.

یا روایات را باید به این معنا حمل کنیم که عالَم به هدف تکوّن انسان کامل خلق شده و بارزترین مصداق انسان کامل، نبی و امام است و روشن است که فقدان غایت باعث فقدان ذی الغایة است؛ بنابر این نبی یا امام سببیّت غایی برای عالم دارند و یا باید بر این معنا حمل کنیم که مقصود روایات این است که امامؑ اگر نباشد معرفت و تمییز حق از باطل صورت نمی‌گیرد و مشیئت خدا بر این تعلّق گرفته که بعد از آفرینش مردم، آنها را از نظر هدایت رها نکند.